



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Discourse analysis of endowments belonging to the Qajar period in the Markazi provinces of Kermanshah

M. Molaie, V. Mubarak*, Gh. Salemian, F. Kolahchian

Department of Persian Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 12 September 2019

Reviewed: 21 October 2019

Revised: 06 November 2019

Accepted: 19 December 2019

KEYWORDS

level of description, level of interpretation, endowments of Kermanshah, endowments of Markazi province.

*Corresponding Author

✉ mubarak-vahid@yahoo.com

☎ (+98 83) 3322776-5

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Documents as one of the most important sources of historical research are of special importance; Because they are one of the most reliable means of communication with the past. This study aims to achieve the semantic and ideological underlying layers, find the dominant discourse and explain the cultural, social and situational factors in the endowments belonging to the Qajar period in the central provinces and Kermanshah to study and analyze these texts. The researcher believes that endowments are very valuable documents; However, due to their unavailability, they have been neglected by researchers and researchers; While research on these texts can not only clarify the various dimensions of the issue of endowment, but also provide other valuable information to researchers and those interested in research on historical texts. In fact, this study seeks to answer a few key questions; Including what values do words have ideologically? Is there a connection between word and meaning in endowments? What is the discourse that governs the endowments and the most important motivations of the endowments of that period? And were cultural, social, and geographical factors reflected in the endowments?

METHODOLOGY: The statistical population of this study is 361 copies of endowments belonging to the Qajar period in the Documentation Center of the General Endowments and Charities of Markazi and Kermanshah provinces, of which 196 endowments belong to Markazi province and 165 documents belong to Kermanshah province. The research method in this research is descriptive-analytical, which is quantitative in the stage of describing words in terms of method and analytical frameworks. In the interpretation stage, the qualitative aspects of the text are also considered.

FINDINGS: Endowments interact with each other at the levels of description and interpretation; Because literature and rhetoric serve political, social, and religious purposes, ideological beliefs have emerged in the structure of language.

CONCLUSION: At the level of word description, the use of semantic inclusion and semantic contrast has been very effective in enhancing the creation of semantic relationships in the linguistic structure. Dominant discourse in the introduction of most of the endowments studied can be considered philosophical, theological, jurisprudential and religious discourses and in the description and expression of details and how to use and maintain endowments, it can be considered a social and cultural discourse. In terms of interpretation, the text of endowment letters has been most influenced by the Holy Quran and hadiths.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.4772](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.4772)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 19	 1	 0

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

تحلیل گفتمان وقف‌نامه‌های متعلق به دوره قاجار در استان‌های مرکزی و کرمانشاه

محمد مولایی، وحید مبارک*، غلامرضا سالمیان، فاطمه کلاهیچیان

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: اسناد بعنوان یکی از مهمترین منابع تحقیقات تاریخی، از اهمیت خاصی برخوردارند؛ زیرا یکی از ابزارهای ارتباطی مطمئن حال با گذشته بشمار می‌آیند. این پژوهش با هدف دستیابی به لایه‌های زیرین معنایی و ایدئولوژیکی، یافتن گفتمان غالب و تبیین نمود عوامل فرهنگی، اجتماعی و موقعیتی در وقف‌نامه‌های متعلق به دوره قاجار در استانهای مرکزی و کرمانشاه به بررسی و تحلیل این متون پرداخته است. پژوهنده بر این باور است که وقف‌نامه‌ها اسناد بسیار بارزشی هستند؛ ولیکن بدلیل در دسترس نبودن، تاکنون مورد غفلت پژوهشگران و محققان قرار گرفته‌اند؛ درحالیکه تحقیق و پژوهش بر روی این متون میتواند علاوه بر روشن نمودن ابعاد گوناگون مسئله وقف، اطلاعات ارزشمند دیگری را در اختیار پژوهشگران و علاقه‌مندان به تحقیق بر روی متون تاریخی قرار دهد. در حقیقت این پژوهش در پی پاسخ به چند سؤال اصلی است؛ از جمله اینکه کلمات به لحاظ ایدئولوژیک واجد چه ارزشهایی هستند؟ آیا در وقف‌نامه‌ها ارتباط بین لفظ و معنا وجود دارد؟ گفتمان حاکم بر وقف‌نامه‌ها و مهمترین انگیزه‌های واقفان آن دوره چیست؟ و آیا عوامل فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی در وقف‌نامه‌ها نمودی داشته است؟

روش مطالعه: جامعه آماری این پژوهش وقف‌نامه‌های متعلق به دوره قاجار موجود در مرکز اسناد ادارات کل اوقاف و امور خیریه استانهای مرکزی و کرمانشاه به تعداد ۳۶۱ نسخه است که 196 وقف‌نامه آن متعلق به استان مرکزی و ۱۶۵ سند آن متعلق به استان کرمانشاه است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی — تحلیلی است که در مرحله توصیف کلمات از حیث روش و چارچوبهای تحلیلی، کمی است. در مرحله تفسیر به جنبه‌های کیفی متن نیز توجه میشود.

یافته‌ها: وقف‌نامه‌ها در سطوح توصیف و تفسیر با یکدیگر در تعامل هستند؛ زیرا ادبیات و سخندانی در خدمت اهداف سیاسی، اجتماعی و مذهبی قرار گرفته و اعتقادات ایدئولوژیک در ساختار زبان ظاهر شده است.

نتیجه‌گیری: در سطح توصیف کلمات، کاربرد شمول معنایی و تقابل معنایی، در بالا بردن ایجاد روابط معنایی در ساختار زبانی بسیار کارآمد عمل کرده است. گفتمان غالب در مقدمه اکثر وقف‌نامه‌های مورد پژوهش را میتوان گفتمانهای فلسفی، کلامی، فقهی و مذهبی و در قسمت توصیف و بیان جزئیات و چگونگی استفاده از موقوفات و نگهداری از آنها گفتمانی اجتماعی و فرهنگی تلقی کرد. در لایه تفسیر بیشترین تأثیرپذیری متن وقف‌نامه‌ها از قرآن کریم و احادیث بوده است.

تاریخ دریافت: ۲۱ شهریور ۱۳۹۸
تاریخ داوری: ۲۹ مهر ۱۳۹۸
تاریخ اصلاح: ۱۵ آبان ۱۳۹۸
تاریخ پذیرش: ۲۸ آذر ۱۳۹۸

کلمات کلیدی:

سطح توصیف، سطح تفسیر،
وقف‌نامه‌های کرمانشاه،
وقف‌نامه‌های استان مرکزی.

* نویسنده مسئول:

mobarak-vahid@yahoo.com

☎ ۳۴۲۷۷۶۰۵ (۰۹۸ ۸۳)

مقدمه

وقفنامه‌ها بعنوان یکی از اقسام مکتوبات و بلحاظ اهمیتی که دارند، هر کدام بتنهایی یا در کنار اسناد هم‌عصر یا هم‌منطقه خود میتوانند منبعی منحصر بفرد و دارای ارزش پژوهشی بسیار برای شناخت جامعه و گفتمان حاکم بر آن باشند. وقفنامه‌ها حاوی اطلاعات مهمی درباره مناسبات افراد جامعه با یکدیگر و آداب و رسوم اجتماعیند و اطلاعات سودمندی درباره وضعیت اجتماعی، اقتصادی و رفاهی مردم ولایات مختلف در دوره‌های گوناگون تاریخی به خوانندگان و پژوهشگران ارائه میدهند؛ اطلاعاتی که در شمار منابع دست‌اول قرار میگیرند. از آنجایی که در برخی از دوره‌های تاریخی منابع دست‌اول اندک است، اهمیت اسناد وقفی دوچندان میشود و گاهی ارزش اطلاعات آنها از کتابهای تاریخی نیز بیشتر است. جنبه دیگر اهمیت وقفنامه‌ها این است که بیشتر نویسندگان اسناد وقف، از خاندانهای اهل علم و کتابت و یا از علمای بزرگ عصر خود بوده‌اند و متن نوشته‌شده بوسیله آنها از حیث زبانی و ادبی نیز دارای اهمیت است.

برای دستیابی به اهداف موردنظر در این مقاله کلیه وقفنامه‌های متعلق به دوره قاجار در استانهای مرکزی و کرمانشاه موجود در آرشیو ادارات کل اوقاف و امور خیریه استانهای یاد شده مجموعاً به تعداد ۳۶۱ نسخه مورد بازخوانی و بعنوان مواد تحقیق مورد استفاده و اسناد قرار گرفته است. از مجموع وقفنامه‌های یاد شده، تعداد ۱۶۵ وقفنامه مربوط به استان کرمانشاه و ۱۹۶ وقفنامه نیز به استان مرکزی اختصاص دارد. از جمله اهداف این پژوهش موارد ذیل است: تبیین ارزش ادبی، سبکی و زبانی کلمات بکاررفته در وقفنامه‌ها؛ تبیین ظرایف، تناسبها و ارتباط بین لفظ و معنا در وقفنامه‌های روزگار قاجار؛ دستیابی به لایه‌های ایدئولوژیک وقفنامه‌ها؛ اطلاع یافتن از گفتمان حاکم بر وقفنامه‌ها و انگیزه‌های واقفان؛ تبیین نمود عوامل فرهنگی، موقعیتی و اجتماعی در وقفنامه‌ها.

ضرورت و سابقه پژوهش

وقفنامه‌ها در طی قرون متمادی از لایه‌های ذهن و زبان توده مردم متأثر گردیده‌اند و آینه تمام‌نمای بسیاری از جنبه‌های واقعی زندگی اجتماعی هستند و بسیاری از واقعیتهای، شرایط و مؤلفه‌های شرایط اجتماعی زمانه آنها، رابطه حکومت با واقفان و متولیان در این متون انعکاس یافته است؛ از اینرو میتوان با تحلیل وقفنامه‌ها به درک ساختار ذهنی مردمان هر دوره و آمل و آرزوهایشان و همچنین وضعیت اجتماع نائل گردید. بتردید واکاوی وقفنامه‌های روزگار قاجار اطلاعات مفیدی را پیرامون گفتمان دینی حاکم بر اسناد وقف، اجتماع، مردم و تحولات اجتماعی روزگار واقفان، ساختهای زبانی ایدئولوژیک وقفنامه‌ها و تبیین نوع نگرش و بینش واقفان ارائه خواهد داد.

تا کنون پژوهشهای بسیاری پیرامون موضوع تحلیل گفتمان و بازخوانی متون وقفنامه‌ها انجام شده که میتواند در تکمیل مقاله حاضر کارآمد باشد. در ادامه مروری بر این پژوهشها در چند دسته خواهیم داشت. آقاگل‌زاده (۱۳۸۵) ابعاد مختلف نظریه تحلیل گفتمان را شرح داده است. او معتقد است تحلیل گفتمان یک روش علمی بین رشته‌ای در زبانشناسی است که کارکرد زبان را در جامعه بررسی میکند. پس این رویکرد برآمده از زبانشناسی و نشانه‌شناسی و در مجموع برآمده از یک آگاهی اجتماعی — سیاسی برای مطالعه زبان و گفتمان و ارتباطات است. این نگرش متون را در ارتباط با بافتی اجتماعی تجزیه و تحلیل میکند که این آثار در بستر آن بوجود آمده‌اند؛ بنابراین در همان بافت نیز باید تفسیر شوند. کشاورز (۱۳۸۲) به معرفی اسناد وقفی اداره کل

اوقاف و امور خیریه استان کرمانشاه پرداخته و در خلال آن، شرح حال واقفان و تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی موقوفات کرمانشاه را نیز تشریح نموده است. مولایی (۱۳۸۳) ویژگیهای سبکی و ادبی ده وقف‌نامه متعلق به ادوار مختلف تاریخی را بررسی و تحلیل کرده و به مواردی همچون کاربرد واژه وقف در سروده‌های شاعران و ویژگیهای سبکی و ادبی وقف‌نامه‌ها پرداخته است. حاجی عباسی، جعفرپور و رضایی (۱۳۸۷) به معرفی اسناد وقف اعم از وصیت‌نامه، استشهادیه، وقف‌نامه و حبس‌نامه در دو استان گیلان و کرمانشاه پرداخته‌اند. خلفی (۱۳۸۹) کارکردهای فرهنگی، اجتماعی نهاد وقف در شیراز را بررسی و تحلیل کرده است. عبدلی آشتیانی (۱۳۹۳) به معرفی و بیان ویژگیهای صوری ۱۲ وقف‌نامه متعلق به دوره قاجار در زنجان پرداخته است. اربابی (۱۳۸۴) ویژگی سبکی وقف‌نامه ربع رشیدی را تبیین نموده است؛ ربع رشیدی یکی از مهمترین و بزرگترین مجتمه‌های دانشگاهی، علمی و وقفی در تاریخ ایران است.

بحث و بررسی

تحلیل گفتمان

گرایشی در علم زبان‌شناسی به نام «تحلیل گفتمان»^۱ در دهه ۱۹۵۰ ظهور کرد که در کمتر از دو دهه اکثر رشته‌های علوم اجتماعی و ارتباطی را درنوردید و اکنون بعنوان گرایش بین‌رشته‌ای در مطالعه پدیده‌های اجتماعی بکار میرود. «از این واژه امروزه در زبان فارسی ترجمه‌های متفاوتی در دست است و زبان‌شناسان آن را به سخن‌کاوی برگردانده‌اند. در تحلیل گفتمان تحلیلگر با مراتب عمیق‌تر سروکار دارد، چراکه از بافت متن فراتر میرود و وارد بافت یا زمینه موقعیتی متن میشود؛ یعنی از یک طرف به روابط درون متن و از طرف دیگر به بافتهای موقعیتی، فرهنگی (منطق و اندیشه‌ها)، اجتماعی (افراد)، سیاسی (قدرت) و تاریخی (متون پیشین و کارکردها و...) میپردازد. در تحلیل گفتمان با دو عنصر کلیدی سروکار داریم که بایستی به هر دو آنها توجه کافی مبذول داشت: ۱. بافت متن؛ ۲. بافت موقعیت. «منظور از بافت متن این است که یک عنصر زبانی در چارچوب چه متنی قرار گرفته و جملات ماقبل و مابعد آن عنصر در داخل متن چه تأثیری در تبلور صوری، کارکردی و معنایی آن دارد. بافت موقعیتی که از آن به بافت غیرزبانی هم یاد میکنند، نخستین بار توسط مالینوفسکی^۲ بکار گرفته شد و بعد از آن قوم‌نگاران و زبان‌شناسان زیادی آن را بکار بردند. در بافت موقعیتی یک عنصر یا متن در چارچوب موقعیت خاصی که تولید شده است، مد نظر قرار میگیرد. بافتهای فرهنگی، اجتماعی، محیطی و سیاسی همگی از این نوع هستند» (متن، وانموده و تحلیل گفتمان، تاجیک: ص ۲۴).

تعریف وقف

وقف در لغت به معنی ایستادن، فرونشاندن و حبس کردن مال برای کارهای نیک آمده است و در اصطلاح، تحبیس مال را وقف گویند. بنابراین عقد وقف عقدی است که بموجب آن فردی عین مال خود را تحبیس کند، و منافع آن را جهت صرف در راههایی که مشخص میکند، رها نماید (فرهنگ اصطلاحات فقهی و حقوقی معاملات، موسویان: ص ۱۵۳). به عبارت دیگر وقف «بازداشتن و حبسی از اموال است که دیگر حق تصرف، فروش هبه و مانند آن منتفی میشود. به همین دلیل وقف تنها در اموالی جایز است که ماندگاری داشته باشند» (گستره مبانی

^۱. Discourse analysis

^۲. Malinowski

وقف در قرآن کریم، ایازی: ص ۳۹). مرحوم محقق حلی «وقف را عقدی میداند که ثمره آن حبس کردن اصل و رها کردن منفعت است» (نگاهی به وقف و آثار اقتصادی و اجتماعی آن محقق حلی، به نقل از سلیمی‌فر: ص ۱۱). وقف یعنی رقبه شیء را نگه داشتن و منفعت آن را آزاد کردن (همانجا). «وقف در لغت به معنای ایستادن و پابندگی و در اصطلاح حبس کردن عین ملک یا مالی است که منافع آن در امور عام‌المنفعه مصرف شود که قاموس قرآن از آن به «حبس‌العین و تسبیل‌المنفعه» تعبیر کرده است» (قاموس قرآن، قرشی: ص ۲۳۶). برای اجرای دستورات و سفارشات واقف، متونی همانند وصیت‌نامه نگاشته می‌شود که آن را وقف‌نامه مینامند. وقف‌نامه‌ها از جمله متونی هستند که نه تنها با کارکردی خاص نگاشته می‌شوند، بسبب آنکه نویسندگان و محرران خاص دارند، دارای ادبیات ویژه هستند؛ بنابراین میتوان با توجه به دیدگاه‌های مختلف زبانشناسی و سبک‌شناسی به نقد و بررسی شیوه نگارش آنها پرداخت.

ماهیت وقفنامه‌ها

اطلاع از ماهیت وقفنامه‌ها، تصویر ذهنی روشنی به ما خواهد داد تا درکی صحیح از ساختار وقفنامه‌ها داشته باشیم. سابقه وجود وقفنامه‌ها در ادب پارسی به زمان ایران باستان و قبل از ورود اسلام به ایران میرسد. بنا بر گواهی تاریخ در دوره باستان افرادی بوده‌اند که املاک و داراییهای خود را وقف میکردند و پادشاهان، دیوانی را برای این کار ترتیب داده بودند که به آن «روانگان دبیر» میگفتند که معادل «دبیر اوقاف» است و مسئولیت جمع‌آوری و رسیدگی به اوقاف مردم را برعهده داشتند.

وقفنامه‌ها در عصر صفوی غالباً با عبارت پردازیهای فراوان، کاربرد کلمات عربی، آیات قرآنی و احادیث و القاب فراوان همراه بوده است. به مرور در عصر قاجاری این عبارت پردازیها عموماً کمتر شده ولی همچنان قوی است (ادبیات وقفنامه‌های شیعی از عهد تیموری تا دوره معاصر، حسینی کوپایی: ص ۱۸).

معمولاً هر وقفنامه از نظر ساختمان ظاهری دارای بخشهای زیر میباشد:

الف: نام و یاد خدا، ب: بیان چرایی انجام وقف، ج: مشخصات واقف و حدود، ثغور و اندازه آنچه به وقف آن اقدام کرده است، د: مشخصات متولی(ها)، ه: نسبت احتمالی آنها با واقف و حدود اختیارات و وظایف شان، ه: مشخص کردن محل صرف درآمدهای موقوفه، و: کلمات متداول برای ختم نامه‌ها به همراه تاریخ، مهر، امضا و

در اکثر وقفنامه‌ها، واقفان علاوه بر تکالیفی که پیرامون نحوه مصرف رساندن عایدات موقوفه تعیین نموده‌اند، شرایط دیگری را نیز برای موقوفه خود قرار داده‌اند که برخی از آنها بصورت نمونه ذکر میگردد:

- آوردن عبارت: «لایبایع و لایوهب و لایرهن» به این معنی که هیچ‌کس حق فروش و بخشش و رهن موقوفه را ندارد، آمده است.

- آوردن آیه «فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَمَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ» (بقره / ۱۸۱) که به آیه نفرین مشهور است. به این معنی که هیچ‌کس حق فروش و یا تبدیل مال موقوفه را ندارد و اگر چنین کند گناهی بزرگ مرتکب شده و به لعنت خدا و نفرین رسول (ص) گرفتار خواهد شد.

برخی دیگر از شرایط تعیین‌شده توسط واقفان که بیشتر جنبه شخصی داشته و واقفان تأمین مخارج این خواسته‌ها را از اموال شخصیشان جداگانه منظور نموده‌اند، از این قرار است:

- پرداخت زکات به نیت واقف؛

- درخواست بجا آوردن حج واجب توسط مجتهد جامع‌الشرایط به نیت واقف؛

- استیجار نمودن سی و یا چهل سال نماز و روزه به نیت واقف؛
- حمل جنازه آنها پس از مرگ به کشور عراق و دفن در نجف، کربلا، کاظمین و یا سامرا و در صورت ممکن نبودن دفن در این اماکن مقدسه، در قبرستان وادی‌السلام به قصد تیمن و تبرک؛
- برگزاری مجالس عزاداری برای سیدالشهداء، فاتحه، سه روزه، هفته، چله و سال برای واقف به همراه قرائت قرآن توسط قاری صحیح‌خوان و روشن نمودن چراغ بر بالای قبر؛
- گرفتن نایب‌الزیاره در اماکن مشرفه در عراق و بجا آوردن زیارت به نیت واقف؛
- ردّ مظالم به نیت واقف.

کاربست سطح توصیف

در این بخش کلمات بکاررفته در وقف‌نامه‌ها براساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در سطح توصیف، بررسی و تحلیل شده است. ابتدا ساختهای زبانی ایدئولوژیک متون موردنظر برای تبیین نوع نگرش واقفان و نویسندگان وقف‌نامه‌ها بررسی گردیده و سپس لایه‌های کلماتی، دستوری و کاربردی متون موردنظر تحلیل شده است. عبارت‌بندی دگرسان و افراطی، روابط معنایی (هم‌معنایی، تضاد معنایی و شمول معنایی)، ارزش بیانی کلمات، بار عاطفی کلمات، لایه ایدئولوژیک وقف‌نامه‌ها، عناصر مادی و معنوی و شاخصهای شخصی و شاخصهای اجتماعی بکاررفته در وقف‌نامه‌ها از جمله مواردی است که در این بخش بررسی و تحلیل شده است.

توصیف کلماتی

کلمات مهمترین سازندگان ساختمان صوری متون هستند و در جایگاههای مختلف میتوانند با نقشهایی که میپذیرند معنا و ساختار زبانی را تغییر دهند. «واژه بعنوان مهمترین ابزار انتقال اندیشه و زبان نویسنده، نقش بسزایی در پیوستگی مطالب یک متن ایفا میکند؛ بگونه‌ای که نحوه کاربرد کلمات در یک متن، نوع متن و سبک صاحب اثر را آشکار میسازد. بدین دلیل که معنا از طریق کلمات منتقل میشود» (انسجام واژگانی در متن سورئالیستی بوف کور، عباسی: ص ۶).

کلمات عناصری هستند که بار ایدئولوژیک متن را بر دوش میکشند و آن را معنادار خواهند کرد، چنانکه انتخاب و کاربرد نام برای افراد، اشیا و فعالیتها پژواکی از دیدگاه خاص نویسنده است که میتواند بار منفی یا مثبت داشته باشد؛ بیگمان اندیشه در قالب کلمات صمیمیت مییابد، هرچه فضای اندیشه فردی گسترده‌تر باشد، به همان نسبت زبان غنیتی دارد و گنجینه کلماتیش ثروتمندتر است، چراکه کلمه زاینده نمیشود، مگر با فکر و هرکس به اندازه فکر خود کلمه دارد.

استشهاد به آیات و احادیث در متن وقف‌نامه‌ها و مسلم انگاشتن آن بعنوان سنتی دینی، بیانگر پیوستگی این متون به دین و شریعت است و مخالفت با آنکه ممکن است از طرف سلطه یا گفتمان غالب انجام پذیرد، میتواند مخالفت با دین تلقی شود. بهمین خاطر این متون پشتوانه‌های دینی را با خود به همراه دارند.

رابطه معنایی

برای کشف معانی ضمنی گفتمان ابتدا باید روابط معنایی واحدهای خرد گفتمان اعم از هم‌معنایی، شمول معنایی و تقابل و مانند آن را نشان کرد؛ چراکه معنای واحدهای خرد گفتمان متأثر از روابط معنایی میان این واحدها در

کل گفتمان است. معنی واژه بتنهایی و بصورت مجرد نمیتواند مد نظر باشد، بلکه معنی آن در ارتباط با سایر کلمات و شاید تمامی جمله باید مد نظر قرار بگیرد.

هم‌معنایی

«هم‌معنایی»^۱ یا مترادف از عناصر انسجام متن است، هم‌معنایی یکی از روابط مفهومی است که در بررسی و تحلیل ساخت کلماتی یک متن از نظر معنایی مورد توجه قرار می‌گیرد. صفوی بر آن است که «هم‌معنایی یکی از شناخته‌شده‌ترین روابط مفهومی در سطح واژه‌های زبان است. ... دو یا چند واژه را زمانی هم‌معنی یا مترادف می‌گوییم که بتوان یکی را جانشین دیگری کرد و تغییری در معنی کلام پیش نیاید» (آشنایی با معنی شناسی، صفوی: ص ۶۸).

واقفان با داشتن ایدئولوژی عاطفی تلاش میکنند میان خود و فرا سو، پیوندی استوار فراهم کنند. بر این اساس بخش مهمی از ایدئولوژی وقفنامه‌ها، تبیین مسائل دینی و الگوهای مذهبی است که این گفتمان، تفکر و اندیشه واقفان را در پیروی از باورهای دینی و مذهبی نشان میدهد. تأکید، برجسته‌سازی، آهنگین و زیباتر شدن متن و توصیف اشخاص بویژه پیامبر (ص) و امامان معصوم (س) برخی از موارد کاربرد کلمات هم‌معنا در وقفنامه‌ها بوده‌اند. در حقیقت واقفان با استفاده از برابریهای کلماتی در وقفنامه‌ها برای بازتاب هر چه بهتر گفتمان تلاش کرده‌اند. همچنین میتوان گفت بکارگیری کلمات هم‌معنی در وقفنامه‌ها که بسامد بالایی از آنها برگرفته از متون دینی مانند قرآن کریم است، باری ایدئولوژیک دارند.

ذکر چند نمونه از هم‌معنایی در وقفنامه‌های استان مرکزی و استان کرمانشاه:

– «حمد و سپاس فزون از وهم و قیاس مر خالق را سزااست که ...» (وقفنامه نواب عالیه) کلمات هم‌معنا: حمد و سپاس.

– «بعد از الحمد و الصلوه غرض از تحریر و تلیق این کلمات شرعیه الدلالات و سبب از تسطیر و تنمیق این عبارات و اضح البینات آنکه حضور یافت» (وقفنامه پا شاخان نسقچی با شی). کلمات هم‌معنا: غرض از تحریر و سبب از تسطیر.

– «در حالت صحت و شعور و اختیار من غیر شائبه الأکراه و الأجبار وقف مؤبد صحیح شرعی و حبس مخلد ملی اسلامی نمود همگی و تمامی» (وقفنامه فرآشباشی). کلمات اکراه و اجبار، مؤبد و مخلد و همگی و تمامی دوبه‌دو با یکدیگر هم‌معنایی را بوجود آورده‌اند.

کارکرد این نوع کلمات که از نظر معنایی یکسان هستند و معمولاً با فاصله از یکدیگر، در دو عبارت و یا دو جمله پی‌درپی ذکر میشوند، تأکید و آشکار کردن بیشتر موضوع است که در نمونه‌های ذکر شده بوضوح دیده میشود. در نمونه‌های ذکر شده پاره‌ای از کلمات هم‌معنا نیز، با فاصله از هم ذکر شده‌اند. کارکرد بلاغی در این نوع مترادفها، پرهیز از تکرار واژه نخست است تا کلام، بلیغ و زیبا جلوه کند.

فارسی - عربی بودن برخی از کلمات هم‌معنا نکته قابل تأملی است که بنظر میرسد این گزینش کلماتی به هدف رفع ابهام و ممانعت از بهانه‌جویی در دریافتن معنا برای کسانی است که ممکن است تنها شیوه نگارش فارسی یا عربی را بلد باشند یا درپیش گرفته باشند. شاید دلیل دیگر گزینش کلمات هم‌معنای عربی - فارسی در وقفنامه‌های دوره قاجار این باشد که اولاً وقفنامه‌ها عمدتاً برگرفته از متون دینی مانند قرآن کریم بوده و باری

¹. Semantic

ایدئولوژیک دارند و ثانیاً واقفان عمدتاً از چهره‌های مذهبی و ادبی عصر خود بوده‌اند و استفاده از این دست کلمات در آن روزگار برای آنها امری طبیعی بوده است؛ همچنین این ترادفها بیانگر تأکید زبانی و معنایی نیز هستند. کلمات هم‌معنا عمدتاً در تحمیدیۀ وقف‌نامه‌ها بکار رفته‌اند و در بیشتر موارد ترکیبات عطفی هستند.

تضاد معنایی

«اصطلاح تقابل معنایی هنگام بحث درباره مفاهیم متقابل یا در اصطلاح سنتی، معانی متضاد واژه‌ها بکار می‌رود و واژه‌های متضاد واژه‌هایی هستند که مفهوم یکی از این واژه‌ها در نقطه مقابل مفهوم واژه دیگر قرار گرفته است» (درآمدی بر معنی‌شناسی، صفوی: ص ۱۱۷).

ذکر چند نمونه از تضاد معنایی در وقف‌نامه‌های استان مرکزی و استان کرمانشاه:

«هرچه مخارج و لوازم محتاجند از قبیل تنقیه قنوات و اندود پشت بامهای کاروانسراها و تعمیرات دیگر از کلی و جزئی، ملزومات خودشان» (وقف‌نامه حاج حسن ملک). کلمات دارای تضاد معنایی عبارتند از: کلی و جزئی.

«چون و صیت امری است مرغوب و فاعل آن در نزد شارع مقدس و اولی الأوصار محبوب و تارک آن با قدرت و استطاعت غذول و منکوب لهذا توفیق شامل حال ...» (وقف‌نامه میرزا محمد علی حکیم‌باشی). آنگونه که پیداست کلمات مرغوب و محبوب با کلمات غذول و منکوب و کلمات فاعل و تارک با یکدیگر در تضاد معنایی هستند.

کلمات دارای تقابل معنایی در وقف‌نامه‌ها می‌توانند بیانگر دقت و نیز فراگیری و در نظر گرفتن کلیت موضوع موردنظر باشند. به عبارت دیگر واقفان با آوردن کلماتی که در تقابلهای دوتایی با یکدیگر قرار دارند، می‌خواهند بگویند هیچ کس و هیچ چیزی از قلم نیفتاده و از ذهن و اندیشه آنها به دور نبوده است. برای مثال هنگامی که از خرید لباس برای مستمندان سخن بمیان می‌آورند، می‌گویند هم لباس تابستانی موردنظرشان است و هم لباس زمستانی و یا موقعی که از وقف داراییهایشان سخن بمیان می‌آورند، می‌گویند تمام داراییها اعم از نقدی و جنسی مد نظرشان است.

شمول معنایی

«شمول معنایی^۱» از عوامل انسجام کلماتی بصورت معنایی است. این عامل در پیوند نمونه‌هایی مؤثر است که یکی از آنها از نظر معنایی شامل مورد یا موارد دیگر نیز بشود؛ به بیان دیگر مواردی زیرمجموعه موردی دیگر قرار گیرند. «رابطه شمول معنایی رابطه میان یک مفهوم و مفهومهای تحت شمول آن است؛ یعنی معنای یک کلمه در بطن معنای کلمه‌ای دیگر جای دارد» (تحلیل انتقادی گفتمان، فرکلاف: ص ۷۷) و معمولاً برای نشان دادن رابطه میان اعضای یک شمول معنایی از سه اصطلاح واژه شامل، زیر شمول و هم شمول استفاده می‌کنند. «این امکان وجود دارد که مفهومی بتواند یک یا چند مفهوم دیگر را شامل شود. در چنین شرایطی رابطه شمول معنایی مطرح خواهد بود که رابطه‌ای میان یک مفهوم و مفهومهای تحت شمول آن است» (درآمدی بر معنی‌شناسی، صفوی: ص ۹۹).

در شمول معنایی معنای یک واژه (خاص) بطور کامل توسط یک واژه دیگر (عام) که معنای فراگیرتری دارد، پوشش داده شود. مثلاً وقتی واژه موقوفه را که واژه است عام بکار می‌بریم، هرگونه ملک وقف شده از قبیل ارضی، مراتع، دکانهای وقفی و ... را شامل می‌شود. یا هنگامی که از واژه ارحام استفاده می‌کنیم، گستره مفهومی این واژه،

^۱. Semantic inclusion

گستره مفهومی ارحام پدری و مادری را دربر میگیرد. در ادامه نمونه‌هایی از کاربرد شمول معنایی در وقفنامه‌ها اشاره شده است:

«و یک قسم بر وجوه مبرات و خیرات مطلقه» (وقفنامه حاج آقا محسن اراکی). مبرات و خیرات مطلقه واژه شامل است و کمک به نیازمندان، کمک به طلب علوم دینی، کمک به عتبات عالیات و هرگونه کار خیر دیگر زیرشمول آن محسوب میشود.

استعاره

«گیبزا»^۱ از زبان‌شناسان مشهور اروپایی اظهار میکند: عده‌ای بر این باورند که زبان روزمره دارای ویژگیهای خاص است؛ مثلاً فاقد آرایه‌های ادبی است، اما به نظر او بسیاری از ویژگیهایی که تصور میشد، خاص متون ادبی باشد، در زبان روزمره هم یوفور یافت میشود. از دیدگاه یونگ هر چیزی میتواند اهمیت سمبلیک پیدا کند؛ سنگها، گیاهان و یا هر چیزی دیگر؛ چنانکه وی معتقد است: «انسان با تمایلی که به سمبل سازی دارد، اشیا و اشکال را به سمبلها تبدیل میکند و آنها را هم در مذهب و هم در هنر بصری خود بیان میکند» (انسان و سمبل‌هایش، یونگ: ص ۳۶).

نمونه‌ای از استعاره‌های موجود در وقفنامه‌ها

وقفنامه اسدالله ملک پیرحیاتی: «ای خاک، گر سینه تو بشکافند، بس گوهر قیمتی که در سینه توست». نویسنده این سند وقفی که ممکن است خود واقف باشد، از سانه‌های ارز شمند را به گوهرهای قیمتی و بارزش تشبیه کرده که هم اینک در خاک جا گرفته‌اند. ارتباط مفهومی میان کارهای نیک انسانها که بواسطه انجام آن، فرد صاحب ارزش میشود و عمل وقف کردن که این سند مشخصاً به آن میپردازد، بخوبی احساس میشود.

وقفنامه حاج ذوالفقار خان بیات: «عبرت‌آباد» استعاره از دنیای مادی است که محل عبرت گرفتن است، // «کهنه‌دیر» استعاره از دنیاست، // «آن خانه» استعاره از جهان آخرت است، // «بعد غروب شمس حیات» استعاره از پایان یافتن عمر، // «سپنج سرای فانی» استعاره از دنیا.

وقفنامه میرزا سید حسین مستوفی: «دست تفکر، دست حوادث» استعاره از نوع تشخیص و یا جاندارپنداری هستند. «کهنه رباط» استعاره از دنیاست.

کاربرد استعاره در وقفنامه‌ها براساس نیاز کلام است. انگیزه اصلی نویسندگان وقفنامه‌ها در کاربرد استعاره، بیشتر تأکید بر موضوع موردعلاقه واقف و نشان از اهمیت موضوع است.

جدول ۱. فراوانی و درصد فراوانی بسامد طبقه‌بندی کلمات وقفنامه‌ها

عناوین طبقه‌بندی کلمات	میزان فراوانی در وقفنامه‌های کرمانشاه	میزان فراوانی در وقفنامه‌های استان مرکزی
هم‌معنایی	۱۴۴	۵۱۲
تضاد معنایی	۶۴	۱۵۱
شمول معنایی	۱۵	۱۹
استعاره	۱	۵۲

^۱. Gibbs

ویژگی‌های دستوری

در وقف‌نامه‌ها چون گفتمان دینی، گفتمان از پیش تعیین‌شده و ثابت است، بجهت ساختمان فعل، فعلها هم معلوم هستند و هم مجهول. در تحمیدیۀ وقف‌نامه که واقف دلیل تصمیم خود را برای وقف‌کردن بیان میکند و اموال وقف‌شده را برمی‌شمارد، از افعال معلوم و آن جایی که تکالیفی را برای متولیان بعد از خود و یا ناظران و گواهان بر وقف تعیین مینماید، چون فاعل و اجراکننده دستورات وی مشخص نیستند، از افعال مجهول استفاده میکند. مانند: «که منافع موقوفات مرقومه پس از اخراجات و مرمت موقوفه از جزئی و کلی، صرف شود فی سبیل الله فی وجوه البر و الخیرات» و یا «کل حجرات و مساجد مدرسه حصیر شوند، و هر حجره ماهی یک هزار دینار رو شنایی داده شود». از طرفی واقفان در برخورد با مخاطبان خاص (متولیان موقوفه و موقوف‌علیه‌هم) برای تعیین حدود و تکالیف شرعی آنها، از شیوۀ مستقیم سخن بطرز زیرکانه بهره‌جسته‌اند، بنابراین بر شمار فعلهای امری، نهی و التزامی افزوده میشود و بر رابطه اقتدارآمیز بین متن و مخاطب صحه میگذارد، مانند: «متولی موظف است...»، «ناظر باید ...» همچنین است تعیین نیایدها و توصیه‌هایی که بر وجه اقتدارآمیز آن می‌افزاید. مانند: «متولی حق فروش موقوفه را ندارد ...» بطور کلی در جمله‌های امر و نهی، حضور مخاطب زنده و پویاست.

درمورد وجه غالب در وقف‌نامه‌ها نیز میتوان گفت چون واقفان به مرحله‌ای از شناخت رسیده‌اند، در برخورد با مخاطب عام بطور غیرمستقیم و با هدف ارشاد و تعلیم به بیان اندیشه و نیت خیرخواهانه خود پرداخته‌اند؛ همچنین از همان آغاز که واقفان بیان میکنند امر وقف را پذیرفته‌اند و سپس صیغه وقف را جاری میکنند تا زمانی که رقبات موقوفه و متولی و ناظر را تعیین میکنند و سرانجام آن جایی که بر تغییردهنده لعن و نفرین میکنند و در خاتمه شهود را تعیین میکنند، بسامد بالای وجه اخباری فعل بچشم میخورد. جملات نیز در وقف‌نامه‌ها با آوردن مترادفات، تعیین حدود و ثغور و دقت در تعیین و اندازه و... گاهی به اطناب میکشد. همچنین بتبع رویکرد گفتمانی متن، فعلهای استمراری، مضارع اخباری و مضارع التزامی بسیار بکار رفته است. کاربرد قید، بعنوان یکی از بااهمیت‌ترین وجوه زبانی، در وقف‌نامه‌ها نیز مشهود است؛ زیرا در این متون مقدار، اندازه و حدود و ثغور موقوفه، شرایط متولی، ناظر، موقوف‌علیه و نحوه هزینه‌کرد درآمد موقوفه که از نظر واقف دارای اهمیت بیشتری است، تعیین میشود تا اینکه کار به منظور و خواسته او نزدیکتر باشد. از همین رو کاربرد قیدهایی متعدد و مکرر در وقف‌نامه، برای احراز هویت وقف و تعیین حدود دقیق مصارف آن از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده است. بلحاظ اهمیت قید در وقف‌نامه‌ها نمونه‌هایی از وجوه مختلف قید ذکر میگردد:

- گروه اسمی در جایگاه ادات (قیدهایی مشترک) مانند سه دانگ (مقدار)، شش دانگ (مقدار)، و چهل تومان (مقدار).

- قیدهایی بدون علامت صوری مانند: اینطورکه، مادام‌الحیات، بابت، جمیع، بقیه، همگی، تمامی، هرگاه که همگی قید مشترک هستند.

بلحاظ گونه نوشتاری، ارجاعات درون‌متنی و ارجاعات بیرون از متن در وقف‌نامه‌ها نیز میتوان گفت ارجاع به دین اسلام، مسئله قیامت که به تغییر و تبدیل در موقوفه مربوط میشوند و همچنین ارجاع به قرآن مجید، ارجاعات بیرون متن و کاربرد کلمۀ واقف به جای نام شخص وقف‌کننده یا متولی و ناظر بجای نام افرادی که برای این امور انتخاب شده‌اند و یا فرزند ارشد ذکور بجای نام فرزند مورد نظر همگی دلالت بر ارجاعات درون‌متنی در وقف‌نامه‌ها دارد.

کاربست سطح تفسیر در وقفنامه‌ها

تفسیر کنش گفتمانی بخش میانی گفتمان را مطالعه میکند و در نظریه تحلیل انتقادی گفتمان نقش کلیدی دارد. در واقع یکی از ویژگیهای اصلی این تحلیل همانا پرداختن به این لایه میانی است، زیرا این لایه نقش رابط میان تحلیل متنی و تحلیل اجتماعی دارد؛ چنانکه بدون این لایه میانی، دو لایه دیگر با هم ارتباط برقرار نمیکند.

بافت بینامتنی

ژولیا کریستوا نخستین کسی بود که واژه بینامتنیت را بکار برد. وی باور دارد هیچ متنی مستقل از دیگر متون نبوده و شکل‌گیری و تفسیر هر متن تحت تأثیر متنهای دیگر صورت میپذیرد. مفهوم بینامتنیت علاوه بر جایگاه تثبیت در فهم متون و گفتمانها، میتواند ابزاری مهم برای درک قول و تحلیل جایگاه متون در گفتمانهایی باشد که این متون در بستر آن شکل گرفته‌اند. در بینامتنیت چنانکه در وقفنامه‌ها نیز خواهیم دید، گاهی چرخش مفاهیم در میان گفتمانهای مختلف منجر به تغییر معنایی مفاهیم نیز میشود. بینامتنیت به اشکال مختلف در وقفنامه‌ها دیده میشود که در ادامه وجوه مختلف آن در وقفنامه‌ها واکاوی خواهد شد.

آیات قرآن کریم و احادیث معصومین (ع)

قرآن کریم از ابتدای نزول خود بر پیامبر گرامی اسلام (ص) تأثیری ژرف بر همگان داشته است. از جمله افرادی که تأثیرات بسیاری از قرآن گرفته‌اند، واقفان و نویسندگان وقفنامه‌ها هستند. آنها نه تنها از الفاظ قرآنی جهت غنای متن بهره‌گرفته‌اند، از معانی والا و مفاهیم ارزشمند قرآنی در متن وقفنامه‌ها نیز استفاده کرده‌اند؛ بطوری‌که استناد به آیات قرآن کریم در مقدمه وقفنامه‌ها، زمانی‌که واقفان به مواردی همچون یاد مرگ، آخرت‌گرایی، قدرت و عظمت پروردگار و توصیف پیامبر گرامی اسلام (ص) میپردازند، قابل مشاهده است. تعداد زیادی از محرران این متون - که در پاره‌ای از موارد خود شخص واقف بوده‌اند - از روحانیون و مبلغان اسلام و قرآن در روزگار خود بوده‌اند؛ بنابراین طبیعی است که قرآن کریم و احادیث معصومین (ع) در کلام آنها اثر بارزی داشته باشد. بیشترین نمود قرآن و احادیث در وقفنامه‌ها را باید در تحمیدیه آنها جستجو کرد. متن وقفنامه‌ها و آیات و احادیث به شیوه‌ای هنرمندانه با یکدیگر تلفیق یافته و با یکدیگر ارتباط دارند.

نمونه‌هایی از وجوه بینامتنیت قرآنی و روایی

متن حاضر (وقفنامه آقا محسن اراکی): «ریاحین ممکنات را از صحرای عدم بچمن وجود جلوه داد و از عین مرحمت، ابواب مکرمات بر روی ارباب غیب و شهود که در مهد نیستی غنوده، بگشود (کان الله و لم یکن معه شیء) کریمی که از کمال احسان و لطف بی‌پایان نهال ممکنات را در باغ نیستی به فرهستی مثمر و بارور گردانید.» متن غایب (حدیث نبوی): «كَانَ اللَّهُ وَلَمْ يَكُنْ مَعَهُ شَيْءٌ». ترجمه: خداوند بود و با او چیزی نبود و اینک نیز همانگونه است.

شرح: همانگونه که مشاهده میشود، نگارنده وقفنامه ابتدا به شیوه بینامتنی مضمون (تناس مضمون) معانی موردنظر را از متن غایب گرفته و آن را با هنرمندی و بیان ادبی و با الفاظی متفاوت از متن غایب در متن حاضر بکار میبرد و در ادامه سخن بار دیگر به شیوه بینامتنیت متوازی با توجه به مقتضای حال، حدیث مذکور را در

همان معنایی که در متن غایب دارد، در متن حاضر بکار میبرد. این امر نشان‌دهنده سبکی زیبا و جذاب است که نگارنده وقف‌نامه آن را بکار گرفته است.

متن حاضر (وقف‌نامه آقا محسن اراکی): «صانعی که جمیع مخلوقات را بی ماده از محض عدم و عدم محض بکسوت وجود و خلعت هستی سرافراز نمود. بی‌مانندی که بلبان روضه ایجاد بر احدیتش هم آواز (و لئن سألتهم من خلق السموات و الارض لیقولن الله)».

متن غائب (قرآن کریم): «وَلَّيْنُ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ» (الزمر/۳۸). ترجمه: و اگر از آنها بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را خلق کرده است، قطعاً خواهند گفت: خدا.

شرح: نگارنده در مثال مذکور نیز بمانند مورد قبلی، ابتدا معنای متن غایب را - که همان خلق همه عالم هستی توسط خداوند عزوجل است - گرفته و سپس جامه‌ای از الفاظ و تعابیر ادبی را بر تن معنای متن غایب میپوشاند. در ادامه کلام، متن غایب را بگونه‌ای که مقتضای حال متن حاضر باشد، به شیوه بینامتنیت متوازی در همان معنای اصلی خویش بکار میبرد که این امر نیز نمونه‌ای از بینامتنیت مضمون است.

بافت موقعیتی

بررسی بافت موقعیتی گفتمان، به درک بهتر از بستر سیاسی، اجتماعی و همچنین شرکت‌کنندگان گفتمان کمک میکند تا پژوهشگر درک بهتری از شرایط واقعی زمانی و مکانی که در ساخت و مصرف گفتمان دخیل بوده‌اند، بدست آورد. «بافت یا زمینه تمام شرایط زمانی، مکانی، و غیرزبانی است که متن در بستر آن شکل میگیرد. زبان امری جدا از زمینه نیست، بلکه بخشی از زندگی واقعی است و کاربرد زبان در این بستر واقعی انجام میپذیرد» (تحلیل گفتمان انتقادی خطبه‌ی زیدابن ابیه، پاشازانوس: ص ۴۵). بافت موقعیتی با تعیین روابط علی و معلولی و تجربی، روابط بینامتنی و روابط بینافردی بازشناخته میشود.

موقعیت مذهبی

بموجب اسلام‌گرایی ایرانیان و با توجه به فرهنگ شیعی غالب مردمان این سرزمین و عجین شدن آن با زندگی مادی و معنوی آنان، این ارادت خاص در وقف‌نامه‌ها دیده میشود. در دوره قاجار وقف بیشتر با انگیزه مذهبی بوجود آمده است. با بررسی وقف‌نامه‌ها میتوان مضامین مذهبی و اعتقادی را در جلوه‌های گوناگون آشکارا دید، ولی امری که بطور مشخص انعکاس‌دهنده عقاید مذهبی واقفان است، ذکر فراوان نام خداوند، پیامبر گرامی اسلام و امامان معصوم (س) در این نوع متون است و واقفان با نام بردن از آنها - چه برای تمسک و تیمن و استمداد از آنها و چه در تعیین جهت مصرف درآمد موقوفات خود برای وفات و یا شهادت و بعضاً سالروز تولدشان - ارادت خویش را به آنها اثبات کرده‌اند. بعلاوه رسمی شدن مذهب شیعه در ایران از دوره صفویه به بعد بویژه در دوره قاجار، وقف‌نامه‌های بسیاری دیده میشود که در آنها نام پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) بکار رفته است. ذکر نام ائمه و استمداد از آنان دلیلی بر اعتقاد قلبی واقفان و دین‌باوری عمیق آنها دارد؛ بطوری که آنها پیامبر گرامی اسلام و سایر ائمه را حلال مشکلات میدانند.

برگزاری اعیاد مذهبی در سالروز ولادت امامان معصوم (ع) از دیگر موارد مصرف موقوفات در دوره قاجار بشمار میرود که برگزاری آن توسط واقفان توصیه شده است. البته جشن مولود ائمه از دوره قاجار مورد توجه قرار گرفت و ناصرالدین شاه دستور داد کارگزاران وی در شهرها به برگزاری جشن‌ها بپردازند. درمورد اعیاد مذهبی نیز قابل

ذکر است که برخی از اعیاد همچون عید فطر و قربان میان مذاهب اسلامی مشترک بوده و برخی دیگر چون عید غدیر و اعیاد تولد ائمه بویژه نیمه شعبان از اعیاد مختص شیعیان محسوب میشود. تحلیل موقعیت مذهبی وقفنامه‌های متعلق به دوره قاجار بیانگر آن است که حجم زیادی از موقوفات این دوره، به رو‌ضه‌خوانی و تعزیه‌داری، تلاوت و ختم قرآن، زیارت اماکن مقدسه، اهدای قرآن به مؤمنین و رو‌شنایی چراغ مشاهد مشرقه اختصاص داشته است. همچنین میتوان گفت وجود این موقوفات تأثیر زیادی در گسترش و ترویج فرهنگ دینی و آموزه‌های شیعی و توسعه نهادهای دینی داشته است. از مطالعه وقفنامه‌های این دوره، این نتیجه بدست آمد که طبقات مختلف مردم نسبت به برگزاری هرچه باشکوهتر مراسم عاشورا و وقف بر این مراسم از یکدیگر سبقت میگرفتند و حتی بعضی از آنها تأکید میکردند که مراسم عزاداری بایستی در تکیه محله (حسینیه) یا خانه‌های خودشان برگزار میشد؛ زیرا هر محله برای خود تکیه‌ای مخصوص داشت که در آن برای مصیبت کربلا عزاداری میکردند. حتی در این دوره همه مردم از فرادست تا فرودست در دایر کردن تکیه‌ها برای مراسم عزاداری و تعزیه‌خوانی از خود شوق و اشتیاق نشان میدادند و بانیان هم میکوشیدند از راه ساخت تکیه و وقف بر آنها برای خود اجر دنیوی و اخروی فراهم کنند.

موقعیت جغرافیایی و تاریخی

وقفنامه‌ها بعنوان سندهای تاریخی سرشار از فرآیندهای فرهنگی و زبانی هستند که در نواحی مختلف جغرافیایی به شکلهای مختلف تکرار میشود و بازگوکننده اقلیم جغرافیایی و فرهنگ مناطق مختلفند. بازارها ازجمله عناصر کالبدی مهم در ساخت فضایی شهرهای ایرانی بحساب می‌آیند که سنت وقف در شکل‌گیری مجموعه آنها نقش اساسی داشته است. بازار بعنوان کانون بخش مرکزی و قلب تپنده و اقتصادی شهر، جایی است که نقش مهمی در حیات شهرهای ایرانی - اسلامی داشته و در طی تاریخ کهن شهرهای ایرانی، با تکیه بر سنت وقف، در مرکز تبادلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی شهرها همچنان استوار باقی مانده است.

در دوره قاجار مهمترین فعالیت اقتصادی مردم شهر تجارت بود؛ ازاین‌رو مهمترین گردانندگان اقتصاد شهرها، تجار و کسبه بودند و محل فعالیت آنها عمدتاً در بازار و اطراف آن قرار داشت. وجود فعالیتهای اقتصادی در بازار و ارتباط تنگاتنگ بازاریان با مراجع دینی، موقعیت ویژه‌ای از نظر اقتصادی، مذهبی و سیاسی به بازار میبخشید. ازاین‌رو مکانهای وقفی بخصوص مکانهای تجاری و مسکونی وقفی که بیشترین منبع درآمد برای نیات واقفان است، بیشتر از سایر بخشهای شهر در محدوده بازارها و اطراف آن قرار دارند.

بدلیل تفاهم و نزدیکی بین بازاریان و مراجع دینی که بعلاوه تمایلات مذهبی آنها در دوره قاجار وجود داشت، مکانهای تجاری بیشتر با نیات احداث و تعمیر مساجد و حوزه‌های علمیه وقف میشد و هزینه آنها و نیز هزینه‌های مراسم سوگواری از این محل تأمین میگشت (وقف‌شناسی جغرافیایی شهر تهران در دوره قاجاریه و پهلوی، شاه‌حسینی: ص ۶۰). برخی از عوامل جغرافیایی مؤثر در ایجاد موقوفات کرمانشاه عبارتند از:

۱. کرمانشاه شش هزار سال قدمت داشته و همواره مورد توجه حکومت مرکزی ایران بوده است؛ بنابراین حضور شاهزادگان قجری برای حکمرانی در این ناحیه موجب گردیده برخی از آنها اقدام به ایجاد موقوفاتی با نیات بهداشتی و درمانی، رفاهی، و مذهبی نمایند که از آن جمله میتوان به امام‌قلی میرزا عمادالدوله اشاره نمود.

۲. دو راه مهم و پرآوازه «راه ابریشم» و «راه شاهی» از این شهر عبور میکرد و جاده معروف بغداد به خراسان که به راه بزرگ خراسان مشهور بوده از این استان میگذشته است. از سوی دیگر این ناحیه به دروازه آسیا معروف بوده و مسیر کاروانهای تجاری و زیارتی به کشورهای همسایه نیز از این شهر بوده است که همین امر موجب ایجاد کاروانسراهای وقفی برای استراحت زائران و همچنین داد و ستد کاروانهای تجاری ایجاد موقوفاتی برای زائرانی که پیاده راهی عتبات عالیات بودند، اطعام و کمک به این‌السبیل (درراه‌ماندگان).

۳. بروز خشکسالی در کرمانشاه، موجب بوجود آمدن قنوت و آب‌انبارهای وقفی بسیاری در کرمانشاه شده است. برخی از عوامل جغرافیایی مؤثر در ایجاد موقوفات استان مرکزی عبارتند از:

۱. ایجاد مدرسه علمی سپهداری در شهر اراک (قبل از ایجاد حوزه علمی قم) که بواسطه ایجاد این مدرسه، موقوفاتی بمنظور تأمین هزینه تعمیرات ساختمان مدرسه، شهریه طلبان و حق الزحمه اساتید و حقوق خدمتکاران ایجاد شد. برای نمونه میتوان به موقوفات حاج آقا محسن که بعنوان پشتوانه این مدرسه بوجود آمد، اشاره کرد.

۲. موقعیت جغرافیایی ویژه اراک؛ بطوریکه مسیر اکثر کاروانهای زیارتی از اراک و دیگر شهرهای استان مرکزی میگذشت. ایجاد کاروانسراهای وقفی برای استراحت زائران عتبات عالیات ایجاد موقوفاتی برای رفع نیازها و احتیاجات زائران عتبات عالیات، اطعام و کمک به این‌السبیل (درراه‌ماندگان) همچون موقوفه فرمانفرما.

۳. نزدیکی اراک به پایتخت (تهران) موجب شده بود، این شهر همواره مورد توجه شاهان قاجار باشد. از سویی دیگر حضور شاهزادگان قاجار بعنوان حاکمان این شهر نیز عاملی در ایجاد موقوفات بوده است.

۴. تخریب راهها و پلها موجب گردیده تا واقفان دوراندیش برای رفع این نیاز نیز موقوفاتی را از خود بجا بگذارند؛ همچون موقوفه حاج میرزا محمد.

۵. بروز خشکسالی، مشکلات کم‌آبی و نیاز مداوم قنوت به لایروبی، موجب ایجاد قنوت و آب‌انبارهای وقفی و اختصاص دادن موقوفاتی برای حفظ این آب‌انبارها شده است. مانند موقوفه حاج میرزا حسین.

موقعیت اجتماعی و فرهنگی

وقف‌نامه‌ها، آیینیه تمام‌نمای بسیاری از تحولات اجتماعی و فرهنگی هستند که آمال و آرزوهای واقفان در آنها انعکاس پیدا کرده است. نقش وقف در گسترش فرهنگ و توسعه آن کاملاً روشن و مبرهن است. در دوره قاجار، وقف‌هایی با مضامین فرهنگی و اجتماعی در کنار انواع وقف خودنمایی میکنند که برای نمونه میتوان به وقف کتابخانه‌ها، وقف کتب بر مدارس، مساجد، بیمارستانها، رصخانه‌ها، و کاروانسراها اشاره نمود. وقف کتابهای یک عالم بر علمای دیگر و یا ورثه‌اش پس از فوت وی نیز نوعی دیگر از انواع وقف بشمار میرود.

نتیجه‌گیری

- ذکر اسامی اعلام و اماکن خاص و عناوین و القاب مذهبی در وقف‌نامه‌های استان مرکزی و آیینها و مراسم و ابزارها و البسه در وقف‌نامه‌های کرمانشاه بیشترین فراوانی کاربرد را داشته است که مهمترین دلیل آن بافت موقعیتی و بطور مشخص موقعیت جغرافیایی و فرهنگی و اجتماعی این دو استان بوده است.

- در وقف‌نامه‌های مورد بررسی هر سه سطح تحلیل یعنی توصیف، تفسیر و تبیین با یکدیگر در تعامل هستند، زیرا ادبیات و سخندانی در خدمت اهداف سیاسی، اجتماعی و مذهبی قرار گرفته و اعتقادات ایدئولوژیک در

ساختار زبان ظاهر شده است. در سطح توصیف کلمات، شمول معنایی، تقابل معنایی، حسن تعبیر نیز توسط واقف در متن وقفنامه‌ها در بالا بردن ایجاد روابط معنایی در ساختار زبانی بسیار کارآمد عمل کرده است.

-گفتمان غالب در مقدمه اکثر وقفنامه‌های مورد پژوهش را میتوان گفتمان‌هایی فقهی و مذهبی و در قسمت توصیف و بیان جزئیات و چگونگی استفاده از موقوفات و نگهداری از آنها گفتمانی اجتماعی و فرهنگی تلقی کرد. - مضامین مذهبی و اعتقادی در وقفنامه‌ها بخوبی دیده میشود؛ بطوری که روضه‌خوانی و تعزیه‌داری حضرت سیدالشهداء یکی از مهمترین نیات واقفان دوره قاجار بوده است که هم در استان کرمانشاه و هم در استان مرکزی بالاترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. کمتر وقفنامه‌ای یافت میشود که یکی از مصارف آن به تعزیه‌داری حضرت سیدالشهداء اختصاص نیافته باشد و این امر نشانگر علاقه وافر مردم آن روزگار به مذهب شیعه بوده است.

-استفاده فراوان از قید در وقفنامه‌ها با هدف رفع ابهام و محدود و مشخص کردن وجوه مختلف وقفنامه، بیان منظور واقف و چگونگی حسن اداره وقف و تحصیل درآمد از موقوفه بوده است. تکرار قیدهایی فارسی و عربی در مورد موقوفه و واقف، علاوه بر تعیین درست و کامل حدود و ثغور و تأکید بر اصل مهم رفع ابهام، نشانه اهمیت خاص آن فرد یا آن قسمت از نوشته بوده است.

-کاربرد شاخصه درباره واقف یا شاهدان امر وقف، ادب‌ورزی، تمایل دینی، شخصی یا قومی نویسنده را به شخص یا موضوعی خاص نشان داده است.

-کاربرد کلمات و یا جملات هم‌معنا، اندیشه ایدئولوژیکی را نشان میدهد که ذکر صفات مختلف برای واقف، در نگاه دینی، ارج نهادن به بندگی خداوند از طریق اطاعت از اوامر اوست و از دیگر سو نشانه ادب‌ورزی است که واقف را بالاتر نشان میدهد و چون اغلب واقفان ثروتمند بوده‌اند، گرامیداشت مالکیت در نظام دینی هم مورد توجه بوده است.

- بخش مهمی از ایدئولوژی وقفنامه‌ها، تبیین مسائل دینی و الگوهای مذهبی است که این گفتمان، تفکر و اندیشه واقفان را در پیروی از باورهای دینی و مذهبی نشان میدهد.

-در موضوع هم‌معنایی، فارسی — عربی بودن برخی از کلمات هم‌معنا به چند دلیل بوده است: اول اینکه این گزینش کلماتی به هدف رفع ابهام و ممانعت از بهانه‌جویی در دریافت معنا برای کسانی است که ممکن است تنها شیوه نگارش فارسی یا عربی را بلد باشند، دوم اینکه وقفنامه‌ها عمدتاً برگرفته از متون دینی مانند قرآن کریم بوده و باری ایدئولوژیک دارند و سوم اینکه واقفان عمدتاً از چهره‌های مذهبی و ادبی عصر خود بوده‌اند و استفاده از این دست کلمات در آن روزگار برای آنها امری طبیعی بوده است و آخر اینکه این مترادفها بیانگر تأکید زبانی و معنایی نیز هستند.

- تقابل معنایی در وقفنامه‌ها هم عمق و میزان اختلاف و تفاوتها در امور مختلف موردنظر واقف را نشان میدهد و هم بیانگر گستردگی دامنه شمول اموری هست که موردنظر واقف است. در حقیقت واقفان با استفاده از تقابل کلماتی میخواهند ضمن بیان کلیت موضوع، بگویند هیچ‌کس و هیچ‌چیزی از قلم نیفتاده و از ذهن و اندیشه آنها به دور نبوده است.

-در محث شمول معنایی، واقفان از بیم اختلافات احتمالی دست به آینده‌نگری میزدند و سعی میکردند با بکار بردن الفاظ دقیقتر و جزئیتر سلامت اوقاف را حفظ نمایند.

-وقف‌نامه‌ها سرشار از فنون بیانی و آرایه‌های بدیعی همچون تشبیهات و استعاره‌ها هستند که عمدتاً در تحمیدیه وقف‌نامه، که مجال هنرنمایی نگارنده وقف‌نامه است، رخ داده است.

-نویسندگان اسناد وقف در تحریر وقف‌نامه‌ها کوشیده‌اند از کلمات متناسب بهره ببرند و این رعایت تناسب در گزینش کلمات به آفرینش صناعات بدیعی انجامیده است.

- جنبه آموزشی وقف در دوره قاجار بیشتر در قالب آموزش دینی و وقف بر طلب علم دینی، مدرّسین و مروجان دین بوده است.

- در دوره قاجار وقف بر مدارس، مساجد، بقاع متبرکه، حسینیه‌ها، مراسم مذهبی و امور خیریه نشانگر تأثیرات فرهنگی و مذهبی موقوفات در این دو استان بوده است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه رازی کرمانشاه استخراج شده است. آقای دکتر وحید مبارک راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای محمد مولایی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر غلامرضا سالمیان و سرکار خانم دکتر فاطمه کلاهچیان نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشگاه رازی کرمانشاه و هیئت داوران پایان‌نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- The Holy Quran.
- Abbasi, Mahmoud and others. (2013). Lexical Coherence in the Blind Owl Surrealist Text Based on Holliday and Hassan Theory. *Journal of Linguistic Research*. Issue 4. Pp. 308-283.
- Ayazi, Seyed Mohammad Ali. (2008). Extent of the principles of waqf in the Holy Quran. *Immortal Heritage Endowment Quarterly*. pp. 30-40.
- Fairclough, Norman. (2000). Critical Discourse Analysis, Fatemeh Shayesteh Piran et al, Tehran: Center for Media Studies and Research, p.77.

- Ghorashi, Seyyed Ali Akbar. (2007). Quran Dictionary, Tehran, Islamic Library, Vol. 7, p.236.
- Haji Abbasi, Saeed, Jafarpour, Mohammad Javad & Rezaei Omid. (2008). List of Endowment Documents of Iran, Seventh Office of Kermanshah and Gilan Province, Tehran: Osveh.
- Hosseini Kopaei, Saeed. (2013). Literature of Shiite endowments from the Timurid period to the contemporary period, Qom: Islamic Reserves Association, p.18.
- Jung, Carl Gustav. (1973). Man and his symbols. Translated by Talib Saremi, Ch 1, Tehran: Amirkabir, p.36.
- Keshavarz, Ardeshtir. (2003). "Living in the field of love: a collection of endowment documents of the General Directorate of Endowments and Charitable Affairs of Kermanshah Province, biography of endowments along with a description of the socio-political and economic history of the endowment of the province, Kermanshah: Bostan Arch.
- Mousavian, Seyed Abbas. (2007). Dictionary of jurisprudential and legal terms of transactions. Tehran: Monetary and Banking Research Institute, p. 153.
- Pashazanus, Ahmad Jafari, Ruhollah. (2015). Critical discourse analysis of Ibn Abiyyah's sermon. *Journal of Critique of Arabic Literature*. 6 (11), pp.39-65.
- Rezaei, Omid. (2004). Fifty-one petitions and religious rulings of the scholars of the Qajar period regarding the current affairs of endowments, Tehran: Osveh.
- Rezaei, Omid. (2011). An Introduction to the Religious Documents of the Qajar Period, Tehran: Institute of Humanities.
- Safavi, Kourosh. (2004). An Introduction to Semantics, Tehran: Sureh, p. 99, 117.
- Safavi, Kourosh. (2012). Introduction to linguistics in the study of Persian literature, Tehran: Scientific publication, p.86.
- Salimifar, Mostafa. (1991). A look at the endowment and its economic and social effects, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.
- Shah Hosseini, Parvane. (1996). Geographical endowment of Tehran in the Qajar and Pahlavi periods, *Geographical research*, No. 42. pp. 117-133.
- Tajik, Mohammad Reza. (1998). Text; Pretending and analyzing discourse (2). *Journal of Discourse*. 1 (1), pp.7-16.

فهرست منابع

قرآن کریم.

- ادبیات وقف‌نامه‌های شیعی از عهد تیموری تا دوره معاصر، حسینی کوپایی، سعید، (۱۳۹۲). قم: نشر مجمع ذخائر اسلامی.
- انسان و سمبل‌هایش، یونگ، کارل گوستاو، (۱۳۵۲). ترجمه طالب صارمی، تهران: امیرکبیر.
- انسجام واژگانی در متن سورنالیستی بوف کور بر پایه نظریه هالیدی و حسن، عباسی، محمود و دیگران (۱۳۹۲). نشریه جستارهای زبانی، شماره ۴، صص ۲۸۳-۳۰۸.
- آشنایی با زبان‌شناسی در مطالعات ادب فارسی، صفوی، کوروش، (۱۳۹۱). تهران: علمی.
- آشنایی با معنی‌شناسی، صفوی، کوروش، (۱۳۸۶). تهران: پژوهاک کیهان.
- تحلیل انتقادی گفتمان، فرکلاف، نورمن، (۱۳۷۹)، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- تحلیل گفتمان انتقادی خطبه زیادبن ابیه، پاشازانوس، احمد و جعفری، روح الله. (۱۳۹۴). پژوهشنامه نقد ادب عربی، (۱۱)، صص ۳۹-۶۵.

تحلیل گفتمان انتقادی، آقاگل‌زاده، فردوس، (۱۳۹۴)، تهران: علمی و فرهنگی.

درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار، رضایی، امید، (۱۳۹۰)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

درآمدی بر معنی‌شناسی، صفوی، کوروش، (۱۳۸۳)، تهران: سوره.

زندگان عرصه عشق: مجموعه اسناد وقفی اداره کل اوقاف و امور خیریه استان کرمانشاهان، کشاورز، اردشیر، (۱۳۸۲). شرح حال واقفان به انضمام تشریح تاریخ سیاسی اجتماعی، اقتصادی وقف استان، کرمانشاه: طاق بستان.

فرهنگ اصطلاحات فقهی و حقوقی معاملات، موسویان، سیدعباس (۱۳۸۶)، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.

فهرست اسناد موقوفات ایران، حاجی‌عباسی، سعید، جعفرپور، محمدجواد، و رضایی، امید (۱۳۸۷)، دفتر هفتم استان کرمانشاه و گیلان، تهران: اسوه.

قرشی، سید علی‌اکبر (۱۳۸۶) قاموس قرآن، ج ۱، تهران: دارالکتاب اسلامی.

گستره مبانی وقف در قرآن کریم، ایازی، سیدمحمدعلی. (۱۳۸۷). فصلنامه وقف میراث جاویدان، صص ۳۰-۴۰.

متن؛ وانموده و تحلیل گفتمان، تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۷). مجله گفتمان. (۱) ۱، صص ۷-۱۶.

نگاهی به وقف و آثار اقتصادی و اجتماعی آن، سلیمی‌فر، مصطفی (۱۳۷۰) مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.

وقف‌شناسی جغرافیایی شهر تهران در دوره قاجاریه و پهلوی، شاه‌حسینی، پروانه. (۱۳۷۵) تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۲، صص ۱۱۷-۱۳۳.

معرفی نویسندگان

محمد مولایی: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
(Email: mohammad.molaei1353@yahoo.com)

وحید مبارک: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
(Email: mobarak-vahid@yahoo.com : نویسنده مسئول)

غلامرضا سالمیان: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
(Email: salemian@razi.ac.ir)

فاطمه کلاهچیان: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
(Email: kolahchian@razi.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Mohammad Molaei: PhD student in Persian language and literature, Razi University, Kermanshah, Iran.
(Email:)

Vahid Mubarak: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran.
(Email: mobarak-vahid@yahoo.com : Responsible author)

Gholamreza Salemian: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran.
(Email:)

Fatemeh Kolahchian: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran.
(Email:)